

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۸۳ مهر ۱۳۹۰

اختلاس سه میلیارد دلاری

نمادی از آنچه در جمهوری اسلامی می گذرد

روزنامه ها و رسانه های گروهی جمهوری اسلامی از اختلاس سه میلیارد دلاری خبر دادند. و تا حدودی به شرح و ریشه یابی آن پرداختند. برخی از جرایم آنها بزرگترین اختلاس در تاریخ کشور به شمار آوردند. اما با وجود آنکه نزدیک به یک ماه است پرده از اختلاس سه میلیارد دلاری بر داشته شده است، هنوز تمام زوایای آن روشن نگردیده و به نظر میرسد که روشن نگردد. با رو شدن بخش کوچکی از فساد اقتصادی، پایه های حکومت به لرزه در آمد. حکومتگران در هراس از اینکه افشاگری ها زوایای تاریک و پنهان سالیان سال رانت خواری، دزدی و اختلاس دولت مردان و ارگانهای دولتی را به یک باره در مقابل چشم مردم قرار دهد و دستشان هر چه بیشتر رو شود، به سرعت به فکر چاره اندیشی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت افتادند. مجلس شورای اسلامی بلافاصله جلسه غیر علنی تشکیل داد. 11 تن از نمایندگان مجلس با طرح شکایتی از احمدی نژاد (رئیس جمهور) و تقدیم آن به هیئت رئیسه مجلس، تلاش کردند، توپ را به زمین حریف (احمدی نژاد) بیاندازند. و ...

خامنه ای که وضعیت را به شدت ناهنجار میدید، وارد گود شد. او هم مثل دیگران ابتدا تلاش کرد خود را میرا از هر گونه آلودگی به آنچه در کشور می گذرد بداند و گفت: «چند سال قبل از این نمی دانم حالا ده سال است یا بیشتر است من توصیه های موکدی را راجع به مقابله با فساد اقتصادی به مسئولین کشور کردم، استقبال هم کردند. اما خب، اگر عمل میکردند، دیگر این فساد بانکی اخیر که حالا همه روزنامه ها و همه دستگاهها و همه ذهن ها را پر کرده، پیش نمی آمد. وقتی عمل نمی کنیم دچار این حوادث می شویم».

ادامه در ص ۲

کار پایه فرقه دمکرات آذربایجان

در این شماره	بیانیه
ص ۵	فرقه دمکرات آذربایجان بمثابه مبتکر تلاش گر ایجاد جمهوری فدرال در ایران آنهم در دوران سیاه ستم شاهی درک و شناخت عمیق خود از اوضاع بسیار پچیده و بغرنج کشور و در دورانی که مبارزه مردم ایران در راه آزادیهای اجتماعی مراحل خود ویژه ای را از سر می گذارد و با توجه به مبارزه خلقهای ساکن ایران در راه تامین حقوق ملی خود، بار دیگر کار پایه خود را در معرض قضاوت همه گان قرار داده و برای ایجاد وحدت و مبارزه مشترک در راه آزادیهای دمکراتیک و ملی هول و محور حداقل نقاط مشترک یعنی
ص ۶	۱- تامین حقوق ملی خلقهای ساکن در ایران در چارچوب یک ایران آزاد، مستقل.
ص ۷	۲- تامین آزاد اندیشه، مذهب سخن و تشکل
ص ۸	۳- تامین آزادی احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی و صنفی با هر دیدگاه فکری و فلسفی.
ص ۹	۴- تامین حاکمیت ملی ایران بر پایه اتحاد داو طلبانه خلقهای ساکن در ایران و در پی این استقرار روابط دوستانه، برابر و عادلانه با کشورهای همسایه و جهان قرار داده آمادگی خود را برای همکاری و مساعدت و اشتراک مساعی جهت ایجاد وحدت و مبارزه مشترک در راه اهداف یاد شده اعلام میدارد و آماده گفتگو مذاکره در این رابطه است!
ص ۱۰	ادامه در ص ۳
ص ۱۱	
ص ۱۲	
ص ۱۲	

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

یک عادت تبدیل شده و لذا هر وقت هر اتفاقی می افتد، عادی تلقی می شود، و هر وعده ای که برای برخورد داده میشود، کسی آن را جدی نمی گیرد.

سرمقاله نویس روزنامه ابتکار به ارجاع پرونده اختلاس به مجمع تشخیص مصلحت نظام خبر داده و می نویسد: در این مملکت تا کنون مسئولان از سپر مصلحت و تکلیف استفاده می کردند، و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می نمودند. استعفاء و بر کناری در کار نبود. نمی خواستند سنگر قدرت را ترک کنند. حال اینکه عملکردشان هزار ترک در دیوار اعتماد مردم بوجود می آورد، مهم نیست. گفته اند مدیر عامل بانک ملی استعفاء کرده، اما از ایران خارج شده است. گروهی بر آنند که دومی را پراننده اند حال در زیر پر وبالش چه داشته، نمیدانیم؟

سرمقاله نویس ابتکار به این نتیجه میرسد که: با این مدیریت نا به سامان و بخو بخور، چگونه می خواهیم اوضاع مملکت را به سامان کنیم؟ چه تضمینی وجود دارد که این تحول از جای دیگری دهان باز نکند؟

روزنامه اعتماد به گوشه دیگری از این بخو بخور ها در کشور اشاره دارد: چرا با طرح مسکن مهر مخالفت نمی شود. که ساختن چنین واحدهایی توهین به مردم است. صدها هزار میلیارد ریال در تنور مسکن مهر افتاده که نه از آن مسکن بیرون می آید و نه نان. چرا سراغ این افراد نمی روند؟ 40 در صد از اقتصاد ایران در گروه گردش قاچاق است. چرا جلوی آن را نمی گیرند؟ شرکتی را اعلام کردند که 35 میلیون لیتر سوخت از کرمانشاه قاچاق می کند، چرا جلوی آنرا نمی گیرند؟

سرمقاله جهان صنعت به گوشه ای دیگر از فساد اقتصادی و زد و بند هایی که در میان دولت مردان جمهوری اسلامی وجود دارد می پردازد. در سرمقاله این نشریه می خوانیم: محمد جهرمی در زمان وزارت کار، طرحی برای ایجاد صندوقی به نام "سپرده قرض الحسنه طلا" داشت و بعد هم در مقام مدیر عامل بانک صادرات همان پروژه را به اجرا گذاشت. می پرسیم آیا طرحی ضد اشتغال تر از این طرح سراغ دارید؟ طرحی که نتیجه آن تبدیل دارایی مولد به دارایی راکد و غیر مولد و خروج ارز از کشور بوده است!

به گفته مقامات قضایی رژیم، اختلاس سه هزار میلیارد تومانی ارتباط دارد به تخلف شبکه های بانک صادرات اهواز و بانک ملی در جزیره کیش که در ارتباط با فعالیت شرکت "توسعه سرمایه گذاری" امیرمنصور خسروی، در سال 86 و در سال 88 گسترش و در سال 89 و عمدتاً در سال 90 انجام گرفته است. از این بانک ها اسناد اعتباری به نام همین شرکت صادر می شده است و از طریق همین شرکت اسناد اعتباری فروخته می شده است. یعنی آنکه شرکت مذکور هم خریدار بوده و هم فروشنده و...

در خاتمه همه میدانند و طبیعی است که سرنوشت پرونده اختلاس سه میلیارد دلاری هم به سرنوشت هزاران پرونده مفاسد اقتصادی، سیاسی و جنایی که در تاریخ جمهوری اسلامی به فراموشی سپرده شده است، به فراموشی سپرده می شود، ولی از ذهن مردم هرگز پاک خواهد شد؟

آقای خامنه ای بخوبی میداند فساد اقتصادی که تار و پود رژیم را در بر گرفته است و بخش کوچکی از آن این روزها افشاء شده است، نمی تواند یک شبه بوجود آمده باشد. فساد اقتصادی در نبود آزادی های دمکراتیک، سرکوب احزاب و سازمان های سیاسی و تشکل های صنفی، خودی و غیر خودی کردن مردم، نا دیده گرفتن حقوق اقوام و ملیت ها و باز گذاشتن دست ارگانهای نظامی و امنیتی کشور در قتل و غارت و سرنوشت مردم و زیر پا گذاشتن نص صریح قانون اساسی بخصوص آنچه به حقوق ملت مربوط می شود، بر می گردد. فساد اقتصادی از آنجا ناشی می شود که دولت ها وارگان های ذیربط به مردم پاسخگو نیستند. فساد اقتصادی از آنجا ناشی می شود که یک نفر به خود حق میدهد برای همه تصمیم بگیرد. و هر گونه صدای اعتراض و انتقاد را ولو حتی خودی باشد نپذیرد.

بخاطر همین آقای خامنه ای با خطاب به مسئولین، ارگانها و بخصوص رسانه های گروهی می خواهد که این مسئله را کش ندهند و بگذارند مسئولین مربوطه به این کار رسیدگی کنند. بدیگر سخن یعنی زبان ها و قلم ها حق پرداختن به آن چیزی که به قول ایشان "ذهن ها" را پر می کند، ندارند.

بدنبال سخنان خامنه ای، بلا فاصله نمایندگان شاکلی از رئیس جمهور شکایت خود را پس گرفتند و روزنامه در روزهای بعد، دیگر به موضوع نپرداختند و اگر هم پرداختند کم رنگ و بی رمق.

در اینجا بد نیست نگاهی داشته باشیم به واکنش برخی از روزنامه های دهم مهر در مورد تخلف بزرگ بانکی. این ارزیابی ها قبل از سخنان آقای خامنه ای در همان روز نوشته شده است. روزنامه شرق می نویسد: تخلف 13 رقمی باعث شده است که در حال حاضر بخش بزرگی از بدنه بانکی کشور از تعلیق در حوزه مدیریت رنج ببرند. نباید فراموش کرد که رئیس جمهور چند سال پیش برای مقابله با فساد اقتصادی مدیریت کشور را به طور کلی تغییر داد و حالا بزرگترین اختلاس برخی مدیران در معرض اتهام ایستاده اند.

روزنامه جمهوری اسلامی به وعده دادن های بی عمل مسئولان اشاره دارد و می نویسد: سالهاست که "وعده دادن" به امری رایج تبدیل شده، ولی از عملکردن به وعده ها خبری نیست. ... سالهاست می شنویم که فهرست اسامی مفسدان بزرگ اقتصادی در جیب مسئولان است ولی هنوز هیچکدام از آنها محاکمه و مجازات نشده اند. سالهاست که از زبان مسئولان قضایی می شنویم افراد مشخصی با نام و عنوان و مسئولیت و مقام های معین دارای پرونده مفاسد اقتصادی هستند و به زودی حکم آن ها صادر و اعلام و با آنها برخورد خواهد شد. ولی نه تنها چنین اتفاقی نیفتاده، بلکه آن مقامات همچنان باقی مانده و ارتقا هم یافته اند. مشاهده چنین وضعیتی برای مردم، به

کار پایه

کار پایه حاضر تحلیلی است از رویدادهای مهم بین المللی و تأثیر این رویدادها بر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مختلف بویژه ایران.

آلمان هیتلری که اروپا را به میدان جنگ خونین مبدل ساخته بود، در هم کوبیده شد و ملل اروپا توانستند دولتهای آزاد و دمکراتیک بوجود بیاورند بدین ترتیب بشریت پا به مرحله جدیدی گذاشت. تمامی ملتها از حق تعیین سر نوشت بر خوردار شدند و مطابق با خواستههای سیاسی و اجتماعی خود در صدد بر پایی دولتهای ملی خود بر آمدند.

بعد از پایان جنگ دولتهای پیروز به دو اردوگاه تقسیم شدند. بدین ترتیب هنوز مرکب معاهده پوتسدام خشک نشده بود که تضاد آشتی ناپذیری میان اردوگاه شرق و غرب نمایان گردید و آثار این تضاد پیش از سایر مناطق در خاورمیانه ظاهر شد.

در سالهایی که جنگ جهانی دوم بشدت ادامه داشت ایران از سوی قوای متفقین اشغال گردید و به مناطق نفوذی آنها تقسیم شد. در چنین شرایطی مردم آذربایجان بپا خاست و با استفاده از حقوقی که در منشور آتلانتیک و اساسنامه کنفرانس موسسین سازمان ملل متحد برای تشکیل حکومت و دولتهای ملی بر آن صحنه گذاشته شده بود، در آذربایجان یک حکومت خود مختار ملی و دمکراتیک را برپا نمود.

اما تضاد میان دول غالب که به گره کوری مبدل شده بود، مانع از ادامه حیات حکومت ملی آذربایجان گردید. انگلستان چون گذاشته می خواست ایران را تحت نفوذ سنتی خود داشته باشد و ایالات متحده آمریکا نیز که در جریان جنگ نیز و وارد ایران کرده بود، می کوشید به هر قیمتی که شده دایره نفوذ خود را در ایران گسترش دهد در چنین اوضاع و احوالی بود که آذربایجان از حق تعیین سر نوشت خود محروم گردید.

دولت ایران به مدت ۳۲ سال به عامل دست نشانده آمریکا در خاورمیانه شد. اما ملل ساکن در ایران و بویژه مردم انقلابی آذربایجان در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ با قیام خود ستون فقرات رژیم شاه را در هم شکستند، همه مردم ایران یکپارچه بپا خاستند و در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب به سیستم شاهنشاهی در ایران پایان داده شد و ایران از چنگ آمریکا رهایی یافت. در ایران، نظام جمهوری اسلامی بوجود آمد و حقوق ملل غیر فارس تا حدودی به رسمیت شناخته شد. در مواد ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی برخی از حقوق ملل غیر فارس مورد تأیید قرار گرفت.

ایران کشور کثیرالملله ای است. شمار ملل غیر فارس نسبت به شمار اهالی کلی ایران به بیش از پنجاه درصد می رسد.

در حال حاضر حق تعیین سر نوشت که برای نخستین بار توسط فرقه دمکرات آذربایجان عملی شده بود، در دستور روز ملل غیر فارس قارار گرفته است.

گلوبالیزم و در هم تنیدگی اقتصادی در جهان سرعت بیشتری به خود میگیرد و این در هم تنیدگی سیاسی، اجتماعی مقیاس و سیعتری پیدا می کند. امروز دیگر به زبان آوردن حکومت خودمختار جرم نابخشودنی محسوب نمی شود. در برخی از کشورهای کثیرالملله شرق دول فدراتیو بوجود آمده و در دیگر کشورهای اونیتار کثیرالملله از آن جمله در ایران تشکیل دولت فدرال به یک موضوع اصلی مبدل شده است. فرقه دمکرات آذربایجان که خود بانی و تشکیل دهنده دولت فدرال در ایران می باشد با تکیه بر تجربه ۶۰ ساله کارپایه جدید خود را منتشر می سازد.

ماده ای اول و دوم بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴

سیاست فرقه دمکرات آذربایجان را چنین بیان می کند.
« ۱- ضمن حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، باید به موازات آن برای خلق آذربایجان آزادی داخلی و خودمختاری مدنی داده شود که بتواند در راه احیای فرهنگ خود و آبادانی آذربایجان و هم سو با حفظ قوانین عادلانه کلی مملکت سر نوشت خود را تعیین کند.»
« ۲- برای اجرای همین منظور بالفور انتخاب انجمن های ایالتی و ولایتی بر گزار و شروع به کار خواهد کرد.»

بدین ترتیب نمونه ساتراپها (در تاریخ باستان) مملکت محروسه (در تاریخ معاصر) را می توان به مثابه نمونه هایی از دولت فدرال بحساب آورد. ایران کشور کثیرالملله ای است و ملل ساکن در آن به زبانهای گوناگونی گفت و شنود می کنند و بطور مشترک به آفرینش تاریخ و فرهنگ مشترک موفق گردیده اند. اما این سنت در قرن بیستم از سوی رضاخان بصورت خشنی نقض شد و ایران به یک کشور توتالیتر و اونیتار تبدیل شد. زبان و توسعه فرهنگی اقوام ملی غیر فارس ممنوع شد و زبان فارسی، زبان رسمی کشور گردید. در سال ۱۳۱۴ رضاخان طی فرمانی استفاده از کلمه «پرسیا» را ممنوع کرد و از آن به بعد کلمه «ایران» در مکاتبات مورد استفاده قرار گرفت.

در سطوح مختلف تحصیلی زبان و ادبیات فارسی رسماً تدریس شد امروز نیز تدریس می شود. در زمان رضاخان از ملل غیر فارس به عنوان مللی که ریشه ایرانی دارند نام برده می شد و در درباره زبان تورکی نظریاتی از این قبیل که این زبان از خارج وارد آذربایجان شده و یا یکی از لهجه های زبان فارسی است یاد میشد. بانیان این «تحقیقات علمی» در حقیقت چیزی

کار پایه....

جز دیدگاههای نادرست و مغرضانه بیان نداشته اند. چرا که در رد این تحریفها تاریخ نویسان، زبان شناسان و باستان شناسان بی طرف آثار علمی حجیمی را به رشته تحریر در آورده اند.

همانطوری که اشاره شد ملل ساکن ایران طی قرون و اعصار صاحب این اراضی بوده و مرزهای این کشور را به اتفاق هم حراست کرده اند.

تاریخ گذشته و حال ملل ساکن ایران همچنین پیدایش جریانهای مترقی در جهان طلب می کند که حاکمیت های دمکراسی سیاسی را نهادینه کنند و زمینه مشارکت همه ملل را در حیات سیاسی کشورشان فراهم آورند. از همین روست که امروز تشکیل دولت فدرال در ایران به یک مسئله مبرم روز مبدل شده است.

فرقه دمکرات آذربایجان اجرای نخستین و ابتدایی ترین مفاد میثاق سازمان ملل متحد در خصوص حقوق بشر را، حق طبیعی و قانونی مردم آذربایجان دانسته، خواهان احیا این حقوق در آذربایجان می باشد و مبارزه در راه دستیابی به این حقوق را وظیفه ملی می داند.

همانگونه که ذکر شد پرسه جهانی شدن در حال وسعت گرفتن و عمیق شدن است. مللی که از حقوق تشکیل دولت ملی محروم بوده اند، اینک حق تعیین سرنوشت توجه زیادی مبذول می دارند و برای تشکیل دولت ملی مبارزه می کنند. در طی ۲۰ سال گذشته در جهان و بویژه در نقشه سیاسی آسیا تغییرات وسیعی در این راستا صورت گرفته است. این تغییرات در اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی نیز موجب پیدایش دولتهای مستقل گردید. در افغانستان و عراق حق تعیین سرنوشت در سیمای دولت فدرال تجسم می یابد. هند و آلمان از نمونه های کلاسیک دولت فدرال هستند.

در قانون اساسی که در سال ۱۲۸۵ و ۱۳۵۸ (۱۹۰۶ و ۱۹۷۹) به تصویب رسیده است بیان شده است که اداره کشور از سوی انجمنها و شوراها صورت می گیرد. فرقه دمکرات آذربایجان، حکومت ملی آذربایجان (۱۳۲۳-۱۳۲۵) را بر اساس مفاد نخستین قانون اساسی (۱۹۰۶) کشور در مورد انجمن ها تشکیل داده بود.

در اصل ۹۰ این قانون آمده است، در تمام ممالک محروسه کار انجمن های ایالتی و ولایتی بر اساس نظامنامه ویژه ای تنظیم می گردد و قوانین اساسی آن انجمن ها به قرار زیر است.

اصل ۹۱- اعضای انجمن های ایالتی و ولایتی مطابق نظامنامه انجمن های ایالتی و ولایتی بلاواسطه از سوی اهالی انتخاب می شود. اصل ۹۲- دخل و خرج ایالات و ولایات بواسطه انجمن های ایالتی معین می گردد. در ماده ۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره کشور توسط شوراها صورت می گیرد. مجلس شورای ملی، شورای ایالتی، شورای ولایتی، شهر، محل، بخش و ده و دیگر شوراها و تصمیمات اداری و

ارگانهای اداره کنند کشور و تصویب کننده قوانین می باشند. بدین ترتیب تشکیل دولت فدرال در ایران از ریشه تاریخی بر خوردار است. در دولت فدرال قوه مقننه، مجریه و قضایه به شرح زیر است؛

۱- مجلس شورای فدرال؛ بودجه تعیین شده از سوی دولت فدرال را مورد تصویب قرار می دهد. میزان سهم دولت فدرال و حکومتهای خودمختار ملی را بطور جداگانه مورد بررسی و تصویب قرار می دهد. تصویب قوانین عمومی در سطح دولت فدرال نیز در اختیار مجلس شورای فدرال است. این قوانین از سوی مورد اجرا در می آید.

۲- ایالات خودمختار! تشکیل ایالات خودمختار ملی بر اساس نرملهای قانونی صورت می گیرد و این حکومتها بصورت حکومت ملی ایالات (ارگانهای اداری) به فعالیت خود ادامه می دهد. در ولایات، بخش ها، روستاها نیز ارگانهای اداری تشکیل می شود.

۳- شورای ملی؛

بر اساس مواد قانون اساسی، در ایالات خودمختار (ارگانهای اداری محلی از پایین به بالا از روستا تا ایالت) شوراها ملی بوجود می آید. همه این شوراها به مثابه ارگانهای ناظر فعالیت می کنند. جمع آوری مالیات به عهده حکومتهای خودمختار ملی واگذار می شود.

در حکومتهای خودمختار ملی ایالات، تحصیل به دو زبان صورت می گیرد. زبان رسمی دولت و زبان ملی در ادارات ایالات خودمختار بکار برده می شود.

۴- تقسیمات اداری؛

دولت فدرال برای سهولت کار انجمن ها در حیطه خود تقسیمات اداری جدیدی را بوجود می آورد. ایالات خودمختار بر اساس ترکیب ملی اهالی بوجود می آید.

فرقه دمکرات آذربایجان با انتشار این کارپایه وحدت ملل ساکن در ایران، در هم تنیدگی اقتصادی و همکاری اجتماعی و فرهنگی بین آنها، تمامیت اراضی و در نهایت توسعه فرهنگ ملی ملتها و بالا رفتن رفاه ساکنین کشور را امری مهم و اساسی می داند.

ما اعتقاد راسخ داریم که در ایران آزادیهای دمکراتیک بر قرار خواهد شد و ملل ساکن در آن به حقوق ملی خود دست خواهند یافت و همه مشکلات و پیچ و خم در این راه از پیش پا بر داشته خواهد شد.

فرقه دمکرات آذربایجان

۱۳۸۷

بیانیه

جلسه عمومی اعضای فرقه دمکرات آذربایجان

به آذربایجان می فرستد. تا این اعتراضات را با «سهولت» سرکوب کند. فرمانده نیروی های اعزامی از تهران در فرودگاه ارومیه با بی شرمی خطاب به فرمانده انتظامی محلی می گوید که «ما آمده ایم این ترکها را آدم کنیم». آری قریب به صد سال است حکومت ایران با آذربایجانیها چنین رفتار می کند. آذربایجانی که همیشه در نوک پیکان مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه سراسر ایران بوده است. آذربایجانیها بخوبی می دانند. استقلال و آزادی ایران را در ردیف کشورهای متمدن قرار خواهد داد. کشوری که تاکنون در محاصره اقتصادی و سیاسی به سر می برد، کشوری که روابط سیاسی آن با جهان پیشرفته تیره و تار شده است، کشوری که مردم آن از عادی ترین حقوق انسانی محروم است، کشوری که در آن قلم ها شکسته و لب ها دوخته شده است، کشوری که مردم آن از حق بیان، از حق انتقاد از کاستی ها محروم اند، کشوری که در ارتباط با اعدام ها، دومین کشور در جهان است، کشوری که در آن جوانان زیر هیجده سال زندانی و اعدام می شوند، کشوری که قریب به پنج میلیون شهروند آن در مهاجرت اجباری به سر می برند، کشوری که ثروت طبیعی آن مورد حراست قرار نمی گیرد. کشوری که بیشترین آمار معتادان را در خود دارد و فحشاء بیداد می کند. کشوری که نه تنها دریاچه ارومیه بلکه زاینده رود اصفهان و... نیز می خشک می شوند. و دولتمداران آن برای جلوگیری از این فاجعه اقدامات جدی به عمل نمی آورند. نمی تواند راه پیشرفت و شکوفایی را طی کند. طبیعی است که مردم ایران بر علیه این سیاست ضد ملی مبارزه کنند و در این مبارزه هیچ گونه هراسی به خود راه ندهند.

جلسه عمومی اعضای فرقه دمکرات

آذربایجان

۲۴ / ۹ / ۲۰۱۱ دوم مهر ماه ۱۳۹۰

خشک شدن دریاچه ارومیه خطر فاجعه بار اکولوژیکی است. اگر جلوی این فاجعه گرفته نشود، قسمت اعظم اراضی آذربایجان به کویر نمک تبدیل خواهد شد. مردم آذربایجان بالاچاره ترک وطن خواهند کرد. کاری که نظریه پردازان یکسان سازی در آرزو آن بودند، عملی خواهد شد. اما مردم سراسر ایران این فاجعه را به درستی درک و ارزیابی کرده اند و حکومت را مقصر بلاواسطه آن می دانند. بدین سبب به پا خاستند. جانفشانی کردند، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و زندانی شدند. این همه فداکاری به خاطر آن است تا دولت را مجبورکنند، که جلوی این فاجعه را بگیرد.

بازتاب مبارزات یک ماهه اخیر میهن پرستان ایرانی، بویژه آذربایجانی های غیور در رابطه با خشک شدن دریاچه ارومیه و نتایج فاجعه بار آن، افکار بین المللی را به خود جلب کرده است. سازمانهای حقوق بشری، محیط زیست و... و احزاب سبز اروپا عمق این خطر را درک کرده اند. و مصرأ از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته اند تا با اقدامات جدی و فوری جلوی خشک شدن دریاچه ارومیه را بگیرد و نگذارد قسمتی از اراضی آذربایجان به کویر نمک تبدیل شود.

زنان و مردان آذربایجانی، قریب به یک ماه است، بدنبال رد طرح دوفوریتی جلو گیری از خشک شدن دریاچه ارومیه در مجلس شورای اسلامی، اعتراضات خود را شدت بخشیده اند. و از دولت مردان کشور می خواهند تا بخود آیند و جلوی این فاجعه بزرگ را با اقدامات فوری بگیرند. اما اعتراضات آرام و مسالمت آمیز مردم آذربایجان با خشونت نیروهای انتظامی روبرو می شود. حکومت مرکزی به جای شنیدن و عملی کردن خواسته های قانونی مردم، نیروهای کمکی از مناطق دیگر ایران

حزب توده ایران هفتاد ساله شد

تحت ستم ملی، دنبال میکردند. گواه این مدعا همین بس که، دهها شهید توده ای در میان شهدای فرقه دمکرات آذربایجان دیده می شود که ملیت غیر آذری دارند.

دشمنان خلق های ایران در تمام این سالها تلاش کرده اند تا با انواع توطئه ها، تاریخ سازی و ترفند های عوام فریبانه، این واقعیت را در چشم مردم طور دیگری جلوه دهند. اما خورشید را نمی توان همیشه زیر ابر نگه داشت.

جنایتی که در تاریخ هفتاد ساله اخیر در حق فرقه ای ها، توده ای، دمکرات ها و دیگر جریان های سیاسی ترقی خواه و میهن پرست رفته است در دنیا اگر نگوییم بی نظیر است، کم نظیر بوده است. هر بار هم حاکمان مستبد و زورگو با دستگیری، زندان، شکنجه های حیوانی و اعدام هزاران نفر از بهترین و میهن پرست ترین میهن، مدعی شده اند که این جریانات سیاسی را نابود کرده اند و اثری از آثار آنها باقی نگذاشته اند. اما تاریخ گواهی میدهد که با هر نسیم آزادی سازمان های ترقیخواه و عدالت جو قفقوس وار بال می گشایند و حاکمان ضد مردمی به زباله دان تاریخ ریخته می شوند. این حکم تاریخ است.

ما از این فرصت استفاده کرده هفتاد سالگی حزب توده ایران را به رهبران، کادرها، اعضاء و هواداران آن و همچنین به تمامی آزادیخواهان و زحمتکشان کشورمان تبریک گفته و سر تعظیم در مقابل تمامی شهدای حزب توده ایران و دیگر سازمان های ترقیخواه فرود می آوریم.

فرقه دمکرات آذربایجان دهم مهر 1390

هفتاد سال قبل در تاریخ سیاسی کشور ما رخداد مهمی صورت گرفته است. شکست فاشیسم در عرصه جهانی، همراه بود با قدرت گیری نیروهای دمکرات و آزادیخواه در اروپا و سست شدن پایه های حکومت دیکتاتوری رضا شاه در ایران. این وضعیت شرایط نسبی برای آزادیهای دمکراتیک در کشور مهیا کرده بود. در چنین شرایطی گروهی از زندانیان سیاسی آزاد شده از زندانهای رضا شاه، همراه با تعدادی دیگر از آزادیخواهان تشخیص دادند بنا بر نیاز مبرم کشور و برای برون رفت از عقب ماندگیهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، حزبی ترقیخواه و عدالتجو را تاسیس کنند. در تاریخ دهم مهر سال 1320 این تصمیم عملی و " حزب توده ایران" اعلام موجودیت کرد. از آنجاییکه هم شرایط عینی جامعه و هم نیاز مردم بوجود چنین تشکیلاتی احتیاج مبرم داشت، حزب توده ایران توانست به سرعت در میان مردم، بخصوص زحمتکشان شهر و روستا، فرهنگیان، روشنفکران، هنرمندان، اقوام و ملیت ها و... نفوذ ورشد کند. دیری نپایید که به بزرگترین حزب سیاسی ترقیخواه کشور تبدیل شد.

از ابتدا تشکل و روشنگری سر لوحه برنامه حزب توده ایران قرار داشت. ایجاد صدها تشکل گارگری، دهقانی، علمی، فرهنگی، هنری، دانشجویی، دانش آموزی، زنان و جوانان و صلح و ضد جنگ از سوی و انتشار دهها روزنامه و مجله و صدها کتاب، به یک باره افق فکری و نوبنی را به جامعه استبداد زده و عمیقاً عقب نگهداشته کشور عرضه کرد. این حزب توانست در مدت کوتاهی خدمات شایانی در عرصه سازماندهی و پیشبرد مبارزات توده های مردم در راه بهبود شرایط زندگی زحمتکشان مانند تصویب قانون کار، مبارزه بر علیه استعمارگران و ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی را پیش ببرد.

فرقه دمکرات آذربایجان در سال 1324 تاسیس شد. دهها هزار نفر از اعضاء و کادر های حزب توده ایران از همان بدو تاسیس، به صفوف تشکیلات فرقه پیوستند. این خود بیانگر این واقعیت است که این دو جریان سیاسی اهداف مشترکی را برای تامین دمکراسی، عدالت و حقوق خلق های

هشدار شهروندان زنجان نسبت به خشک شدن دریاچه ارومیه

درصد حد فاصل میان دو سوی غربی - شرقی دریاچه از طریق خاکریزی حدود دوازده کیلومتر که منجر به مختل شدن چرخه آب از شمال به جنوب گشته است))، « احداث سدهای متعدد و حفر بدون کنترل قنات‌ها و تخلیه منابع آب زیرزمین دریاچه))، (رودخانه های تأمین کننده آب دریاچه شامل چهارده رودخانه دائمی، هفت رودخانه فصلی و سی و نه جریانی سیلابی است. مهار وسیع و بدون کارشناسی جریان آبهای سطح حوضه آبریز دریاچه و ایجاد سدهای معتد در مسیر رودهای که به این دریاچه منتهی می شود، یکی از عوامل اصلی کاهش سطح آب دریاچه ارومیه به شمار می آید. بر اساس گزارشها، تاکنون حدود سی و پنج سد در مسیر این رودها ساخته شده و ده سد دیگر نیز در دست ساخت است))، « فعالیتهای عمرانی در تالاب ارومیه که به نقض تعهد به ترویج استفاده معقول از تالاب ها است. » (طبق معیار استفاده معقول، فعالیتهای بشری، نباید کاری کرد که به اکولوژیکیال تالاب لطمه ای به زند» می باشد. به موجب اصل بیست و یک اعلامیه استکهلم، مسئولیت اولیه حفاظت از محیط زیست هر کشور، به عهده خود آن کشور است. اما عضو فراکسیون محیط زیست مجلس می گوید: « بودجه برای طرح نجات دریاچه ارومیه پیشبینی نشده است».

این درست که به هر دلیل تاکنون هیچ اقدام جدی در راستای نجات دریاچه ارومیه در کشور صورت نگرفته است. اما واقعیت این است که اصول حفاظت از محیط زیست در وجدان عموم بشر ریشه دارد. نجات دریاچه ارومیه یعنی نجات زیست بوم منطقه، نجات حیات بیش از چهارده میلیون انسان!

مسئولان کشور اعم از دولت، مجلس و قوه قضائیه باید حساسیت مسئله را درک نمایند و برای نجات دریاچه اقدامات جدی، موثر و عملی انجام دهند.

نگذارید وضعیت مردم منطقه به آوارگی، بیکاری و معضلات دیگر بگردد. هنوز تا مرگ فاصله است. نگذاریم دریاچه ارومیه به سرنوشت «آرال» به پیوندد.

زیر این بیانیه را پانصد نفر از دانشجویان اساتید دانشگاهها، هنرمندان، ورزشکاران، خبرنگاران، فعالان فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی با ثبت نام امضا کرده اند.

تعدادی از فعالان فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی شهرستان زنجان بیانیهای مبنی بر دفاع از دریاچه ارومیه منتشر کرده اند. در این بیانیه گفته می شود:

دریاچه ارومیه بعنوان « بیستمین دریاچه بزرگ جهان»، « دومین دریاچه شور جهان»، « بزرگترین زیستگاه طبیعی آرتمیا»، « بزرگترین دریاچه داخلی کشور» و « بزرگترین آبگیر دائمی آسیای غربی» با مساحت بیش از چهار هزار و هشتاد و سه هکتار در حال مرگ است و نیاز به نجات دارد.

بیانیه می افزاید: حال کار از نجات زیست محیطی به نجات انسانی رسیده است. کاهش شش متر از ارتفاع دریاچه، تبدیل شصت درصد اقلیم دریاچه به کویر نمک، فراتر رفتن شوری آب از حد طبیعی دویست تا دویست و بیست گرم بر لیتر به سیصد و چهل الی سیصد و شصت گرم بر لیتر، تبدیل دو هزار و پنجاه هکتار از اراضی حاشیه دریاچه به شورزار، به صفر رسیدن تقریبی جمعیت آرتمیای ارومیه و مرگ دسته جمعی تنها موجود آبی آن بعنوان یکی از هفتگونه آرتمیا در جهان، مرگ پیلکانها و فلامینگوهای که محل جوجه گذاری بومیشان این دریاچه است، خطر نابودی گوزن زرد و قوچ و میش بومی جزایر این دریاچه، نابودی پتانسیال ها و پوشش گیاهی بومی این دریاچه و جزایر آن و ... به همه اینها تبعات

خشک شدن دریاچه را هم اضافه کنیم: خطر برجا ماندن ده میلیارد تن نمک و پخش آن در هوا و زمین های کشاورزی و مسکونی اطراف که استانهای همجوار من جمله استان زنجان را در بر خواهد گرفت و منجر به ایجاد ناهنجاریهای بزرگ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چون بیکاری، مهاجرت و آوارگی میلیونها انسان خواهد گشت.

این دریاچه، صد و دو جزیره دارد و در دهه گذشته صدها هزار هکتار از سطح آن کاهش یافته و به شوره زار خطرناکی تبدیل شده است. طبق گفته کارشناسان و بر اساس پیش بینی سازمان محیط زیست این دریاچه پنج سال دیگر به کلی ناپدید خواهد شد و زندگی بیش از چهارده میلیون انسان در خطر جدی قرار خواهد گرفت. اکنون نیز این خطر بسیار ملموس است. آثار این فاجعه در بعد وسیع تر اکوسیستم کشورهای همسایه را نیز با بحرانهای خشکسالی، آلودگی هوا و از بین رفتن زمینهای کشاورزی روبرو خواهد کرد.

بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه ناشی از برخی عوامل طبیعی ((خشکسالیهای پی در پی) و نیز عوامل متعدد دستکاری انسانی از جمله « احداث بزرگ راه میان گذر شهید کلانتری » (خشکاندن بیش از هشتاد

دولت یهودی در انزوای مطلق

استقلال فلسطین بدین شکل «توجیه» می کند که فلسطینی ها باید با اسرائیل وارد مذاکره شوند و با توافق طرفین مسئله استقلال حل شود. محمود عباس برخلاف ادعای آمریکا در خواست خود را به دبیر کل سازمان ملل متحد بانکی مون تقدیم کرد. قرار است در چند روز آینده تقاضای فلسطینیان در شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد مذاکره قرار گیرد. روسیه اعلام کرد: از پیشنهاد محمود عباس حمایت خواهد کرد. بدین ترتیب فصل نوینی از مبارزات مردم فلسطین بر علیه تجاوزگری اسرائیل گشوده شد. این حرکت نه تنها مورد استقبال پر شور فلسطینیان قرار گرفت بلکه حمایت جهانیان را به همراه داشت.

سازمان ملل متحد شصت و یک سال قبل با شرکت پنجاه کشور جهان تشکیل گردید. هدف از تشکیل این سازمان بین المللی استقرار صلح پایدار در جهان بود. اما کشورهای غربی و دولتهای دست نشانده آنها سازمان ملل متحد را به آلت دست خود مبدل ساختند. شوروی عملاً یگانه کشوری بود که در جنگ جهانی دوم میلیونها شهروند خود را از دست داد و بدین طریق آلمان هیتلری را به زانو در آورد. اما جهان بعد از جنگ به مرحله جدیدی پا نهاد. جهان به دو قطب متخاصم تقسیم شد. جنگ سرد میان این دو قطب بالا گرفت. آمریکا و متحدان او با استفاده از غیاب شوروی در شورای امنیت، رای اعضای شورای امنیت را برای جنگ با کره بدست آورد. بدین طریق نیروهای بین المللی در جنگ کره شرکت نمودند.

یاد آوری می کنیم که شورای امنیت سازمان ملل به رهبری آمریکا، شوروی را وادار کرد تا در سال هزار و نهصد و چهل شش، ارتش خود را از ایران خارج کند. بعد از خروج نیروهای ارتش شوروی، دولت مرکزی به کمک آمریکا و انگلیس به حکومت خود مختار آذربایجان حمله کرد و میهن پرستان آذربایجانی را به خاک و خون کشید. در نتیجه حکومت ملی آذربایجان ساقط شد. جنگ علیه ویتنام، جنگ علیه یوگسلاوی، جنگ علیه افغانستان و عراق نشان داد که سازمان ملل متحد نه تنها با اهداف اولیه خود که بایدحفاظ صلح جهانی باشد بیگانه است، بلکه آلت دست جنگ افروزان غرب بخصوص آمریکا است.

بیش از شصت سال است که دولت یهود، بنام اسرائیل در سر زمین فلسطین پا به عرصه نهاده است. از آن تاریخ به بعد میان یهودیان و اعراب جنگ و ستیز پایان نمی یابد. جنگ فراگیر شش روزه، میان اسرائیل و اعراب نتیجه فاجعه باری بر جای گذاشت. اسرائیل سحرای سینا، کرانه غربی رود اردن و ارتفاعات جولان را تحت اشغال خود در آورد. انور سادات رئیس جمهور وقت مصر با میانجیگری آمریکا به اسرائیل تسلیم شد و با آن روابط دیپلماتیک برقرار نمود. اسرائیل نیز در عوض نیروهای خود را از اراضی اشغالی سحرای سینا عقب کشید. بقیه اراضی اشغالی تاکنون تحت تصرف دولت اسرائیل همچنان باقی مانده است. از آن پس کشورهای عربی شمشیر بر علیه اسرائیل را قلاف کردند. حتی دولت اردن با اسرائیل روابط دیپلماتیک برقرار نمود. از طرف دیگر اسرائیل با بی رحمی تمام سالهاست که نوار غزه را تحت محاصره قرار داده و این منطقه را بمباران می کند. در نتیجه خانه ها ویران می شود، مردان و زنان و کودکان و سالخوردهگان کشته می شوند. از ورود کمکهای انسان دوستانه جلوگیری می کنند. دولت اسرائیل شقاوت را به جایی رسانده که در تاریخ روابط بین المللی سابقه ندارد. این کشور تجاوزکار کاروان کشتیهای کمک رسانی به مردم محاصره شده را که در آبهای آزاد راهی غزه می بودند، مورد حمله چتربازان قرار داد. عده ای از سرنشینان این کشتیها کشته شدند. هفت نفر آنها از شهروندان ترکیه بودند. این حادثه جنایت بار، مورد خشم جهانیان شد. ترکیه سفیر خود را از تل اوپو فرا خواند و سفیر اسرائیل را نیز از آنکارا بیرون کرد. بدین ترتیب اسرائیل یگانه متحد خود در خاورمیانه را از دست داد. بدین ترتیب ترکیه نیز در ردیف مخالفین اسرائیل قرار گرفت. بعد از این حادثه رجب اردوغان نخست وزیر ترکیه ابتکار عمل را در دست گرفت و در رأس مبارزه علیه سیاست های ضد عربی اسرائیل قرار گرفت. اردوغان اعلام کرد: اگر اسرائیل از دولت ترکیه عذرخواهی نکند، خون بهای کشته شدگان را به خانواده های آنها نپردازد و محاصره غزه را بر نچیند، ترکیه با این دولت روابط عادی برقرار نخواهد کرد.

در چنین فضای سنگینی، اسرائیل با مشکل طرح استقلال فلسطین در نشست سالانه سازمان ملل روبرو شده است. محمود عباس رئیس سازمان خود گردان فلسطین در شصت و ششمین اجلاس سازمان ملل متحد اعلام نمود که خواهان استقلال فلسطین است. این درخواست با کف زندهای ممتد اعضای سازمان ملل مورد استقبال گرفت. اوباما رئیس جمهوری آمریکا بلافاصله اعلام نمود که در شورای امنیت مسئله استقلال فلسطین را وتو خواهد کرد. آمریکا مخالفت خود را با

کارگران جهان متحد شدید

شعاری که در آمریکا طنین انداز شد

گذشته است. طبق اظهار نظر مقامات آمریکایی در حال حاضر 14 میلیون نفر بیکار در این کشور بسر می برند. عبارت دیگر از هر 10 نفر آمریکایی در سن اشتغال یک نفر بیکار است. کارشناسان اقتصادی این وضع را برای آمریکا فاجعه بار میدانند. از هم اکنون پیش بینی میکنند، با توجه به سطح نا رضایتی مردم نسبت به سیاست های اقتصادی دولت، اواما در انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا شانسی برای انتخاب شدن مجدد ندارد.

هرکارگری که کار میکند نه تنها زندگی خود را تامین می کند، بلکه به دولت نیز مالیات می پردازد. یعنی در چرخه اداره کشور نقش مستقیم دارد. در جهان سرمایه داری چون سرمایه دار حقوق واقعی کارگر را نمی پردازد، مبارزه بین کارگر و سرمایه دار به اشکال مختلف تا برچیدن نظام استثمارگر سرمایه داری ادامه دارد. اما کارگران شاغل و نسبتا تامین، در مبارزه برای احقاق حقوق خود کمتر از شیوه های رادیکال استفاده می کنند. مگر آنکه چنان عرصه بر آنها تنگ شود که تمام راه ها را به روی خود بسته ببینند. بی جهت نیست که اخیرا موج اعتراضات مردم فرانسه و انگلیس، گاهی رنگ اغتشاش و خشونت به خود میگیرد. در ماههای اخیر نرخ بیکاری در کشورهای اروپایی به شدت رشد کرده است و هیچ چشم اندازی وجود ندارد که در آینده نزدیک نرخ بیکاری در این کشور ها کاهش پیدا کند. در روسیه پنجاه درصد افراد پائینتر از سی سال بیکارند.

دولتهای در حال ورشکسته اروپایی نه تنها نمی توانند به خواست برحق مردم خود، پاسخگو باشند. بلکه تحت عنوان صفت کردن کمربندها، هر روز فشار بیشتر اقتصادی به مردم، بخصوص به زحمتکشان کشورشان وارد می کنند. در یونان چپ ها حکومت را اداره می کنند. اما آنها هم تلاش می کنند به حساب جیب مردم، سرمایه داری را از بحران نجات دهند. در این کشور سن باز نشستگی را بالا برده اند. مالیاتها را افزایش داده و دستمزدها را کم کرده اند. در اینجا این سؤال مطرح می شود: آیا این قبیل تدابیر یعنی صفت کردن کمربندها می تواند سرمایه داری را از بحران نجات دهد؟

اقتصاد بحران زده یونان در میان کشور های اروپای متحد با واکنش های متفاوتی روبرو شده است. عده ای می خواهند یونان را از اتحادیه اروپا اخراج کنند. اما گروهی دیگر معتقدند، رفتن یونان از اتحادیه اروپا برابر است با متلاشی شدن این اتحادیه. بدین ترتیب بحران عمیق جهان سرمایه داری به آن حدی رسیده است که هیچ قدرتی از جمله اتحادیه اروپا، عاجز از پیدا کردن راه حلی هر چند موقت، برای برون رفت از این بحران است. زیرا هیچ نیرویی در برابر رشد و قانونمندیهای جامعه، قادر به مقاومت نخواهد بود.

شنبه اول اکتبر هزاران نفر معترض با شعار کارگران جهان متحد شوید در خیابانهای شهر نیویورک رژه رفتند. تظاهرکنندگان شعار افزایش حقوق کارگران و کار برای بیکاران را سر داده بودند. آنها در صفوف متحد به سمت والستریت، مرکز سرمایه مالی، جایی که پنجاه درصد اقتصاد آمریکا در آن متمرکز شده است راه پیمایی می کردند. پلیس آمریکا به تظاهر کنندگان یرش برد و بیش از هفتصد نفر از آنها را دستگیر کرد.

کارگران، کارمندان و همه زحمتکشان اروپا و آمریکا هر روز که می گذرد بیشتر به ماهیت سرمایه داری پی می برند. آنها این واقعیت را به درستی درک می کنند که سیستم اجتماعی از کار افتاده سرمایه داری، مانند گذشته قادر به ادامه حیات نیست. و برای بقای خود و برون رفت از بحرانی که گریبان او را گرفته است، هر روز نسبت به روز قبل با اخراج، پائین آوردن دستمزدها و بستن مالیات های بیشتر، وضع زندگی آنها را بد و بدتر می کند.

بحران سرمایه داری در چهار سال گذشته عمق بیشتری به خود گرفته است. در ماه های اخیر اعتراضات شدیدی علیه وضعیت موجود از طرف زحمتکشان و دیگر مزدبگیران که، بحران موجود تاثیر ناگواری بر زندگی روزمره آنها گذاشته است، صورت می گیرد. این اعتراضات شهرهای اروپا و آمریکا را فرا گرفته است. جهان سرمایه داری به حساب زحمتکشان کشورشان کوشیده اند با تزریق میلیارد ها دلار به بانکهای در حال ورشکسته، آنها را از ورشکستگی نجات دهند. دولتهای اروپا نیز می کوشد تا با اریز کردن صدها میلیارد یورو به اقتصاد کشورهای در حال ورشکسته، مانند یونان، اسپانیا، پرتغال و ایتالیا آن ها را از بحران عمیق نجات دهند. زیرا میدانند که موج جدید بحرانی که در راه است، برای اقتصاد در حال احتضار سرمایه داری بسیار خطرناک است.

با وخیم تر شدن وضع اقتصادی جهان سرمایه داری، بخصوص در آمریکا، اروپا و ژاپن که باعث شده است رشد نا خالص این کشورها به شدت افت کند، بحران اقتصادی به بحران اجتماعی گرایش پیدا کرده است. اعتراضات گسترده مردم بر علیه سیاست های اقتصادی و مالی در کشورهای یونان، اسپانیا، انگلیس، ایتالیا، آمریکا، آلمان و ... در ماههای اخیر بیانگر این واقعیت است.

اسپانیا هنوز هم از بحران چند ماه گذشته جان سالم به در نبرده است که، گفته می شود شمار بیکاران در این کشور، مرز بیست درصد را پشت سر گذاشته است. بدین ترتیب در اسپانیا از هر دو نفر جوان زیر بیست و پنج سال، یک نفر بیکار است. بیکاری در آمریکا از مرز ۹،۱٪

برای آزادی زندانیان سیاسی و مدنی مبارزه کنید!

سی نفر از فعالین سیاسی آذربایجان در تاریخ دوم شهریور حین مراسم افطار دستگیر شدند و اکنون در زندان به سر می‌برند. صد و هفتاد نفر از فعالان سیاسی و مدنی تبریز طی نامه‌ای، نحوه دستگیری این گروه را مخالف اصول متعدد از جمله بیستم و بیست دوم قانون اساسی و ماده صد و بیست یک آئین دادرسی دادگاهها کشوری اعلام کرده‌ند.

همچنین بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، سیامک کریمی، بهزاد اقدسی، مصطفی قلیزاده، مرتضی فروغی، فرهاد ساعلی و ولی حسین نژاد از فعالین شهرستان مراغه روز چهارشنبه نهم شهریور توسط مأموران اطلاعات مراغه بازداشت شدند.

مجید و توحید جوادی در شب یازدهم شهریور در منزل پدریشان بازداشت و به بازرسی شعبه پنجم دادگاههای عمومی و انقلاب شهرستان ارومیه منتقل شدند.

ابراهیم نوری از شهرستان اهر، حمید منافی نظرلو، عزیز یکانلو، جاوید نوری، رحمان نوری و محمد حقی، ناصر عابدینی، مهدی برگشادی، حسن عظیمی و ناصر حقی در ارومیه و کیان پیهانی در تبریز از جمله بازداشت شدگان هستند.

حکم محکومیت برای پنج زندانی یک پرونده که عبارتند از: شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بویوک سیدلر، نیما پوریعقوب و ساسان واهی و ش صادر شده است و...

باید به هر شیوه ممکن برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالان مدنی مبارزه کرد.

مبارزه پیگیر و متحد می‌تواند مقامات جمهوری اسلامی را به عقب نشینی در مقابل خواست بر حق مردم وادار کند.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالان مدنی باید تا آزادی زندانیان کامل آنها ادامه یابد.

ایران کشوری است که در آن اظهار عقیده و بیان سیاسی و اجتماعی ممنوع است. هر شهروندی که جرئت کند، مشکلات زندگی مردم را بنویسد و بیان کند، دستگیر و راهی زندان می‌شود. بدین سبب است که زندانهای جمهوری اسلامی پر از زندانیان سیاسی و فعالان مدنی است. مأمورین رژیم تنها به دستگیری آزادیخواهان و آزاد ادیشان و... بسنده نمی‌کنند، بلکه آنها را مورد شدیدترین انواع شکنجه‌های جسمی و روحی نیز قرار می‌دهند تا از عمل خود پشیمان شوند و به اصطلاح تواب گردند. البته که زندانیان سیاسی صاحب عقیده این قبیل خواسته‌ها را نمی‌پذیرند.

در ماه‌های اخیر زندان‌های استان‌های آذربایجان مملو است از زنان و مردانی که جرمشان اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه است. بر همه روشن است که

خشک شدن دریاچه ارومیه عواقب فاجعه بار برای کشور بخصوص برای منطقه آذربایجان در پی خواهد داشت و تا کنون نیز خسارات جبران نا پذیر بجا گذاشته است. همه می‌دانند که دولت کنونی در این مسئله مقصر است. و بدین جهت مردم آذربایجان به پا خاسته و از دولت می‌خواهند جلوی این فاجعه را بگیرد. اما دولت به جای پاسخ مثبت دادن به ندای انسان دوستانه مردم نیروهای سرکوبگر خود را به کوچه‌ها و خیابان‌های شهرها و روستاهای آذربایجان می‌فرستد. تا مردم معترض را زیر ضرب و شتم قرار داده و گروه‌گروه از آنها را دستگیر و راهی زندان کنند.

ما در اینجا به اسامی بخشی از کسانی که جرمشان فقط اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه است و هم اکنون در زندانهای رژیم بسر می‌برند، می‌اندازیم:

زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

روسیه و «بلواگران» در کشورهای عربی

سوریه نیز سالها است که با روسیه همکاری تنگاتنگ اقتصادی و نظامی دارد. مقامات روسیه با سرنگونی دولت بشاراسد مخالف هستند. روسیه میداند علاوه بر به خطر افتادن قراردادهای چند میلیارد دلاری در حال اجرا، موقعیت سیاسی و اقتصادی خود را در این کشور بطور کلی از دست خواهد داد، یا بسیار ضعیف خواهد شد. سیاست گزاران آمریکایی این مسئله را پنهان نمی کنند. روزنامه «دیپلی تلگراف» از قول وزیر سابق دارایی آمریکا (روبرتسا) می نویسد: «ما می خواهیم حکومت قذافی را در لیبی و حکومت بشار اسد را در سوریه سرنگون کنیم به این خاطر که چین و روسیه را از دریای مدیترانه دور کنیم». روزنامه سووروس در شماره ده سپتامبر دو هزار یازده، قیامهای مردم کشورهای عربی را به این شکل ارزیابی می کند: کارشناسان سازمانهای ویژه بر این نظرند که فروپاشیها، جنگها، انقلابها و ترورها نتیجه فعالیت عملیات تخریبی خدمات ویژه غرب است. آنها می گویند همه این عملیات به نفع آمریکا است. چنانکه آمریکا دست خود را روی منابع نفتی عراق گذاشته است، حالا می خواهد نفت لیبی را نیز در انحصار خود قرار دهد.

چنانکه گفته شد اتحاد شوروی از نهضتهای آزادی بخش مردم خاورمیانه، در سالهای پنجاه و شصت میلادی حمایت و پشتیبانی می کرد. بدین ترتیب روابط دولتهای مترقی بر آمده از این نهضت ها با اتحاد شوروی بسیار نزدیک و مستحکم بود. روسیه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی تلاش کرد این روابط را حفظ کند.

شرایط در در کشورهای عربی دگرگون شده است. در ماههای اخیر دهها میلیون زن و مرد عرب به خیابان آمده اند تا دولت های خود فروخته و مستبد را از قدرت به زیر بکشند و حکومتی سر کار آورند که به خواست های مردم توجه کند. کشور را در راستای آزادی و دمکراسی قرار دهد و برای رشد و توسعه اقتصادی گام های عملی بردارد. روسیه سخت در اشتباه است اگر فکر میکند که جنبش دهها میلیونی مردم عرب با اشاره سازمان های جاسوسی غرب براه افتاده است. گر چه غرب تمام ترفند خود را بکار می بندد تا سمت و سوی جنبش های منطقه را به سمت منافع خود سوق دهد. آینده جنبش های منطقه می تواند تمام پیش بینی ها و توطئه های کشور های غربی را بهم بریزد.

بلوا ترجمه اصطلاح میاتز (Miyatej) به زبان روسی است. این اصطلاح زمانی بکار گرفته می شود که گروهی علیه نظام های مترقی قیام می کنند. بیش از شش ماه است که در کشور های عربی همه اقدار ستم دیده علیه استبداد حکومتی به پا خاسته اند. این خیزش گسترده و پیگیر جهان را به لرزه در آورده است. سالهای پنجاه میلادی افسران ارتش در کشورهای عربی علیه پادشاهان و حاکمان مستبد خود قیام (کودتا) کردند. در مصر، سوریه، عراق و لیبی بساط سلطنت برچیده شد. کودتاگران تازه به قدرت رسیده، سیاست ضد امپریالیستی را پیش گرفتند. و با کشوراتحاد شوروی روابط سیاسی و اقتصادی نزدیک بر قرار کردند. در کشور مصر، در کوتاه ترین مدت هشتاد درصد بخش صنایع ملی شد. و به مالکیت دولت در آمد. سیاست نزدیکی به شوروی موقعیت کشورهای سوسیالیستی را در خاورمیانه مستحکم نمود. علاوه بر این چهار کشور، الجزایر انقلابی نیز به این گروه پیوست. ارتش این کشورها با دریافت سلاح های مدرن از اتحاد شوروی، به نیروهای باز دارنده در منطقه علیه سیاست های ملیناریستی امپریالیسم مبدل شدند. کارشناسان صنعت نفت شوروی در کشف و استخراج نفت به دولتهای عراق و الجزایر یاری رساندند. در جریان بحران کانال سوئز شوروی با قاطعیت کامل از حکومت مصر حمایت کرد و از این طریق تهاجم سه گانه اسرائیل، بریتانیا و فرانسه شکست رو برو شد. بعد از مرگ جمال عبد الناصر انور سادات قدرت را در دست گرفت. طولی نکشید انور سادات از سیاست دوستی با اتحاد شوروی فاصله گرفت و سیاست نزدیکی به غرب، مخصوصا نزدیکی به آمریکا را پیش گرفت. اما کشورهای سوریه، لیبی و الجزایر ارتباطات سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را با اتحاد شوروی و بعد از فروپاشی شوروی با روسیه فدراتیو ادامه دادند. نفتگران روسیه تا هجوم نیروهای ناتو به خاک لیبی در صنایع نفت این کشور مشغول بکار بودند و هم اکنون نیز در صنعت نفت الجزایر کار می کنند. رسانه های گروهی روسیه «پیشبینی» کرده اند. که دولت جدید لیبی شرکت های «لوک اویل»، TNK و گازپروم را از لیبی اخراج خواهد کرد و جای آنها را به کشورهای غربی خواهد داد. گفته می شود کشور های فرانسه و ایتالیا از این پس نیاز نفت و گاز خود را از لیبی تامین می کنند.

با لغو قرارداد فروش اسلحه به لیبی صنایع نظامی روسیه چهار میلیارد دلار زیان خواهد دید. دولت جدید لیبی که با حمایت سرنیزه های «متفقین» غربی به قدرت خواهد رسید زیر بار تعهدات دولت معمر قذافی، در قبال دولتهای خارجی (مانند روسیه و چین) نخواهد رفت.

تاریبل امید

ارمیه گولو

منیم گوز یاشلاریمدی،
دوشوب یره گول اولوب.
آحیمدیر، فقانمدیر،
لاله اولوب، گول اولوب.

سودور، ایچملی دنیل.
ووروب کیچملی دنیل.
آدیندان آد گوتوروب،
ارمیه بیر ائل اولوب.

شاه لارا ایلمه یب،
تاریخ اونا دیمه یب.
بو گون داشیب کوکر بیب،
ملتین سنل- سنل اولوب

ارومیه سسیم وار،
آزادلیق نفسیم وار.
قوشولدوم انسانلارا،
آرزولارین چین اولوب.

منیم گوز یاشلاریمدی،
دوشوب یره گول اولوب.
آحیمدیر، فقانمدیر،
لاله اولوب، گول اولوب.
۲۰۱۱ / ۹ / ۴

عارف صفا

محکمه

منی محکمه یه آپارین دوستلار،
اورادا سویله میه سوزوم وار منیم.
ائله زن اتمه بین ضیفله میشم،
حله اوره یمده دوزوم وار منیم.پ.

منی محکمه یه آپارین گوروم
آزادلیق اوغروندا دیوشن لری.
یالانچی جاکمه، ساختا شاهیده
باخیب آجی - آجی گولوشنلری.

منی محکمه یه آپارین دوستلار،
توپوروم اوزونه حقسیزلیغین من.
اوله باغیریم کی، یر، گوی تیترسین
داغلار دیله گلسین دردی سیریمدن.

منی محکمه یه آپارین دوستلار،
ایگید اوغوللارا قاتسینلار منی.
یا منی اورادا گوله لسین لر،
یا دا بوغازیمدان آسینلار منی .
۲۰۱۱ / ۸ / ۲۵